



که رئیس ولسی جرگه میشود؟ عادل نکند کاریکه اردپشیمانی

گوش بیگانه کرو چشم دیوانه کور؛ شما وقتی میخواهید ازدواج کنید باید اول همه جوانب را مطالعه کنید و بعد هم بیوگرافی و شخصیت نامزدتان را بشناسید تا انتخاب رئیس پارلمان یا رئیس جمهور عین عواقب را در دنیا بد کسی را برگزید که بیانگر خامی و برخورد عاطفی حضرات گرامی باشد شما در یک اوقیانوس طوفانی سیر میکنید و باید ناخدا ی داشته باشید که در لحظات حساس کنترل را نبازد پس باید نامزدهای ریاست پارلمان را خوب بشناسید :

1. محمد یونس قانونی
2. میرویس یاسینی
3. عبدالحفیظ منصور
4. محی الدین مهدی
5. محمد ظاهر قدیر
6. عبدالرسول سیاف
7. احمد بهزاد
8. رمضان بشردوست

قانونی سخن پرداز ما هر و سیاستمدار محافظه کار و معامله گر و راحت طلب است برای او هیچ چیزی جز حفظ کرسی مهم نیست مگر چند سال با در نظر داشت اینکه دشمنان در زیر یک سقف جمع شده بودند قانونی در اداره جلسات و جلوگیری از تشنج موفق بوده اما بخاطر عدالت اجتماعی و رفع تبعیض و نهادینه سازی دموکراسی و نظارت بر کارهای حکومت قدم مؤثری برداشته نتوانست و برعکس همیشه اراده حکومت در ولسی جرگه خیلی قوی تر از اراده ریاست ولسی جرگه بود و کمتر نتوانست توطئه های حکومت را عقیم سازد و شاید هم هیچ وقت او در حد یک نماینده عادی خودش را تنزیل داده و فقط تماشا میکند که بر کشورش چه میگردد؟ کسیکه دیروز ادا عامی کرد که ما "قهرمان صلح" شدیم حالا که کشور در لجنزار فاشیسم غرق شده است دعوا میکند که ما "قهرمان وحدت ملی" هستیم؟ خانم پشتون چقدر او را مسخ و الینه کرده است در حالیکه خیلی از فاشیستها خانم دیگری دارند؟ بزرگان ما چقدر در رین سراب های وهم انگیز میدوند شاید هم خودشان به هدف رسیده باشند: قصر؛ زن؛ موتر؛ پول و همه چیز؛ همه مسعود نمیشود که بگوید: نان و مسکن را میتوان یافت ولی عزت و آزادی را جز با خون نمیتوان خرید.

گرچه در امور پارلمان نمیتوان آنقدر هم او را ملامت کرد زیرا که پارلمان دوره اول یک پارلمان کاملاً انتصابی و اکثرشان طرفدار حکومت و از مخالفین قانونی بودند و بیشتر از آنچه کرد شاید نمیتوانست بخاطریکه کرسی از هیچ طرح و تلاشی علیه ولسی جرگه برهبری او دریغ

نورزید؛ درین دوره اگر رئیس شود شاید گام‌های سریع و بزرگ بردارد و بار وحیه و شرایط نو خود را سازگار سازد چون او حالا خیلی تجربه فرا گرفته که چگونه باردیگر ولسی جرگه را رهبری کنند؟

یاسینی گرچه بنا بر اخبار و یکی لیکس برای سفارت امریکا و انگلیس نیز علیه همکاران خویش بخصوص وکلای هزاره (1) جاسوسی میکرده ولی نماینده پاکستان در ولسی جرگه است یا بهتر گفته شود پاکستان گرچه نه به تناسب اول با هم طرفداران زیادی در شورای ملی وارد کرده توانست تانفوذش را همچنان حفظ نماید ولی یاسینی قوی ترین و فعالترین نماینده پاکستان در مجلس عوام است و حتی با بودجه و سازماندهی استخبارات پاکستان وارد مبارزات ریاست جمهوری شد و روابط او با مقامات پاکستانی دیگر چیزی نیست که بتوان ردش کرد او مهره خطرناک و خیلی هوشیار می باشد چندی قبل در هتل سرینامیزبان برخی از رهبران استخبارات پاکستان بود و تلاش او با عده دیگری در دولت و خارج از دولت بشکل مرموز در راستای منافع پاکستان سیر می کند او شخص احساساتی و مغرور است و در زمانیکه سرپرست ریاست ولسی جرگه بود اعضاء پارلمان را توهین کرد بنابراین نمیتواند در رهبری ولسی جرگه موفق باشد

یاسینی قبلاً عضو تنظیم بنیاد گرای مولوی خالص بود و هنوز هم در عقائد زن ستیزانه و قبیلوی خویش نتوانسته چندان تغییری بیاورد کسانیکه به چیزی عقیده نداشته باشند گرچه شعار هم بدهند ولی خیلی زود شناخته میشوند طوری که کرسی در اوائل خیلی از دمکراسی و قانون و عدالت سخن میگفت ولی حالا دیگر همه میدانند که او جز بقدرت ایمان ندارد حزب اسلامی مولوی خالص زن ستیزترین؛ شیعه ستیزترین و اسیر کشتن تنظیم های بوده که بیشتر بر محور قبیلوی (پشتونوالی) حرکت می کرد گرچه شخص مولوی صاحب یک مجاهد بیریه و بزرگوار بود.

ویکی لیکس از قول یاسینی دو چیز را نقل میکند که هر دو باید تحقیق شود اول او میگوید: سفیر ایران از من خواست که خودم را در برابر قانونی نباید نامزد کنم این نشان میدهد که او نیز با ایران روابط نزدیک داشته و گرنه چطور سفیر یک کشور دیگر از او چنین خواهشی کرده میتواند؟ و ایرانی که بر توفشار آورد تا آجندای جلسه را تغییر بدهی حتماً به تو اعتماد داشته و تو را قبلاً میشناخته و گرنه چطور بدون رابطه و شناخت قبلی از تو میخواهد؟ چرا چنین درخواستی را مثلاً سفیر از منصور یا مهدی یا بشردوست یا ظاهر نکرد که از تو؟

بالاخره از یاسینی که در حقیقت جاسوس چندین کشور بوده باید پرسید که توبه سفارت امریکابه عنوان چه میرفتی: نماینده ننگرها؟ و اگر بلی آیا مردم و دیگر نمایندگان ننگرها خبر داشتند؟ یا بعنوان معاون ولسی جرگه؟ و اگر بلی آیا ولسی جرگه را در جریان میگذاشتی؟ و تو که میگوی من پیشنهاد عضو استخبارات ایران را رد کردم ولی دیگران عین موضوع را در ولسی جرگه مطرح کردند پس چرا عوض گزارش به سفارت امریکا در عین زمان در ولسی جرگه افشاگری نکردی؟

واضح است که چون میدانیستی که سفارت امریکا و انگلیس و پاکستان و جرمنی و فرانسه و سعودی و --- هر چه علیه ملیتهای دیگر خصوصاً هزاره ها گفته شود قبول میکنند خواهی یا نه باهتک حرمت و توهین و بدنام سازی نمایندگان هزاره برجیره خود بیافزائی شما تصور کنید هر نژاد پرستی باین سفارتها و مقامات غربی و عربی دیدار میکرده همین سخن را تکرار میکرده که تاجکها و هزاره ها و ازبیکها از ایران و --- پول میگیرند حالانکه خود اولین کسی اند که چنین میکنند اگر گرفتن پول حتی برای داودزی ننگ و خیانت ملی نباشد چرا برای دیگران باشد؟

حفیظ منصور نویسنده رئیس جمهور ناخوانده امضاء میکند گرچه در صداقت و عشق او به خدمت تردیدی نیست ولی خیلی تند مزاج و کم حوصله است و گاهی در صحبت هایش کمتر دقت میکند و مانند من زود خشمگین میشود رئیس پارلمان خصوصاً ولسی جرگه باید خیلی تحمل داشته باشد و ---

علاوه برین از حقیقت نگذریم نامزادی منصور در برابر قانونی توجیه پذیر نیست ما تجارب خیلی ناگوار ازین رقابت های منفی داریم چنانچه هر جنگی بخاطر یک هدف سیاسی است ولی بعد از یازدهم سبتمبر هر یک از رهبران نظامی و سیاسی جبهه متحد کوشید تنها خودش بنام و مقام شخصی برسد که بالاخره روباهی از کلکین پرید و لقمه را از پیشروی آنهمه "خروگاو" (2) ربود و مولانا کرسی با استفاده از جهالت سیاسی و خودخواهی خوانین تاجک و ازبیک و هزاره تاکنون شادی بازی میکند

با چنین تکنازی هابه کجامیتوان رسید؟ هر یک از نمایان عدالت می خواهد فقط خودش مطرح باشد و بس در همین پنجشیر قانونی؛ احمد ضیاء مسعود؛ احمد ولی مسعود؛ حفیظ منصور؛ عبدالله؛ فهیم و چند تن دیگر هر کدام از خود حزبی دارند مردم حیران مانده که از کدام یک پیروی کنند؟ شما که حتی در میان خود نمیتوانید یک وحدت نظر و همبستگی را بوجود آورید مگر میتوانید مردم را در برابر حریفی سازمان یافته و برخوردار از حمایت چندین کشور بسیج کنید؟

شما هیچ کدام پیرو مسعود نیستید مسعودی که حتی دشمنان او در شورای اجرائیه جمعیت بود ولی میگفت ما باید جمعیت را بسازیم تا که حزب دیگری تشکیل بدهیم و تفرقه ایجاد کنیم شما کجا مانند حزب اسلامی سیمیناری دائر کرده و تشکیلات جمعیت را که در انحصار چند مفسد و استفاده جو در آمده نوسازی کردید که ربانی در برابر تان قرار گرفت؟ در تمامی کشورهای دنیا احزابی که در استقلال نقش داشته و ریشه تاریخی دارند احزاب محوری اند و با منطق قوی ترمیتوانند از حقوق مردم دفاع کنند

چرا افغان نازی چنین سریع رشد کرد؟ بخاطر یک حریف ندارد و پشتونها خبر ندارند که این یک سازمان غیر اسلامیست جبهه متحد بخاطری فروپاشید که هر کدام میخواست خودش رهبر باشد و احمد ضیاء میگوید من بسیار کوشیدم با کرسی حزب بسازیم عجب منطقی؟ او با عبدالله سکرتر برادرش حزب نمی سازد ولی با کرسی و شیرزوی و دیگر رهبران ما میسازد؟

مارشال غلامی داودزی حزبی را که به سفارتها میگوید فهیم و خلیلی مامور ایران هستند از پذیرش رهبری همسنگرش ترجیح داد و عبدالله نیز وقتی بدیگران رومی آورد که خودش را رهبر سازند خودخواهی هادر حدیست که حتی میترسیم که در پارلمان چندین اپوزسیون داشته باشیم و اینها قبل از حکومت یک دیگرشان را خنثی کنند چون از درک تهدید واقعی (3) هنوز هم رهبران غیر پشتون عاجز اند و بدین باور که بعد از خروج نیروهای خارجی نیز افغانستان بدین منوال باقیمانده و ما میتوانیم بازیگر میدان باشیم بنابراین هیچ نیازی به خودسازی و جمع و جور کردن خود احساس نمی کنند

اگر خود کدام درک و تحلیل علمی از اوضاع نداریم سخنان دیروز برخی از سیاستمداران پاکستان میسراند که چقدر ما در توهم غرق هستیم؟ و چه آینده تاریکی در انتظار مردم افغانستان است؟ در حقیقت مادر مسیر سیل باغ میسازیم و گل میکاریم قبل از اینکه سیل و رودیوار کرده باشیم: هر که نیامخت ز شکست روزگار هیچ نیاموزد ز هیچ آموزگار

مهدی از نظر من بهترین است ولی در مقاله با دیگران و با اساس آجندائیکه اعلان کرده است چرا که هم دانش سیاسی دارد و مولف چند اثر حقوقی و سیاسی و علمی و ادبی بوده و مهم ترا همه عقیده راسخ به تغییر و پارلمانیزه سازی کشور دارد نظامی که حاکمیت مردم را تضمین میکند.

هم در شوراهای مردمی کار کرده و در امریکانیز درس خوانده و بزبان انگلیسی مسلط است چیزی که درین شرایط برای ریاست حکومت و ریاست پارلمان فوق العاده مهم است در حالیکه رئیس محاکم؛ کرسی و خیلی مقامات دیگر میتوانند بانگلیسی حل مطلب کنند چنانچه ریاست پارلمان نیز مسلط برین زبان باشد؟ میگویند در یکی از مجالس بوش با فهیم و خلیلی و برخی رهبران جهاد؛ کرسی جریان

صحبت طرفین راطوری ترجمه می‌کرد که بوش خیلی ناراحت شد و رفت از کرسی دیگران پرسیدند که چرا چنین کرد؟ کرسی گفت : تکلیف صحی دارد و دوامی خورد ---)

رئس شورای ملی خصوصاً ولسی جرگه باید در روابط بین المللی و دیدار با مقامات خارجی در افغانستان خیلی فعال باشد زیرا ثابت شده که رهبران حکومت خصوصاً کرسی همیشه واقعیت‌ها را تحریف و توجیه می‌کنند و تا که بتواند بر علیه حریفان سیاسی و قومی خویش دنیا را تحریک محمد ظاهر با وجودیکه از یک خانواده بزرگ و برای همه مردم افغانستان محترم است یک تاجر و خیلی جوان بوده و جزاینکه پسر حاجی قدیر شهید باشد کدام شخصیت مطرح نیست شاید او بتواند نماینده خوبی باشد ولی رهبری ولسی جرگه بدانند فرهنگ سیاسی و تجربه مدیریت نیاز دارد باز هم خوب است که بخت خود را بی‌آزماید جادار بگویم که من از پیروزی او در انتخابات خیلی مسرور شدم و برایش آینده درخشان می‌خواهم پروفیسور سیاف از نظر علم و تجربه اداری فوق العاده است و نیازی به تعریف ندارد او کسی است که سلفی هامو ترش را در کویت باشانه حمل کردند و ملک فهد برایش یک میلیاردالر "جائزه" داد زمانیکه با عربی ؛ فارسی و پشتو صحبت می‌کند شنونده "کیف" می‌کند ولی او چند مشکل دیگر دارد:

اولا کسی بود که با مولوی خالص زنه‌ها در زمان حکومت مجاهدین خانه نشین ساخت و از کار و تحصیل محروم نمود و حتی گفت برای من ننگ است که یک زن نام مرا از طریق رادیو تلویزیون دولتی بگیرد و یاسر وزیر او از خانم ها پرسیده بود که شما با چنین نخن ها چطور استنجا کرده می‌توانید؟ و عبدالحکیم مجاهد نماینده طالبان در امریکا همیشه و ژیزه ها و فتوهای اتحاد اسلامی را که بر ستره محکمه ؛ وزارت عدلیه ؛ صدارت و شورای علماء سطره داشت برخ مهاجرین میکشید زیرا که آنها نه تنها بانوان کارمند را فاحشه بلکه باشندگان کابل را کمونیست و خاک کابل را نجس می‌گفتند چنین فردی اگر رئیس شود قیودات و مشکلات زیادی را برای نماینده های زن و قوانین سخت گیرانه و غم انگیزی را علیه خانم ها و بر خلاف میل و منافع جوانان و روشنفکران وضع خواهد کرد خصوصاً چانس تبارز خانم ها در ولسی جرگه خیلی اندک میشود

او گرچه خودش را با عراب ؛ قریشی معرفی کرده بود پسر خاله حفیظ الله امین خروطی بوده و فامیل امین رابه خارج فرستاد بنا بر طبیعت دگم خویش مانند گلبدین و مولوی شینواری با آزادی اندیشه احترام ندارد و دیگران دیشان خصوصاً نماینده های راکه افکار باز دارند یاد گذشته در دولت مزدور کار می‌کردند با مشکلات و فشارهای زیاد روانی دچار خواهد ساخت و در حقیقت همان اجندای شورای عالی صلح را در ولسی جرگه پیش خواهد برد تا زمینه و بستر برگشت طالبان را هموار سازد و بی‌حیث یک بنیاد گرا که افکاری نزدیک بالقاعده دارد هرگز جامعه جهانی و پارلمان های غربی با وی روابطی برقرار نخواهند کرد و در حقیقت پارلمان کشور منزوی میشود که یگانه خواست کرسی است

علاوه برین همه ؛ او از متحدین و تیم خاص کرسی است و اگر پیروز شود کرسی در حقیقت برین نهاد هم تسلط خواهد یافت با احتمال قوی کرسی پول و تلاش زیادی خرچ می‌کند تا پروفیسور سیاف رهبری ولسی جرگه را بدست آورد و با احتمال قوی یکی از عوامل تأخیرهای پیهم افتتاح پارلمان نیز بخاطر خریدن نماینده هابه نفع اوست چون کرسی سخت کوشید بیشترین طرفداران خود را وارد پارلمان سازد تا پروژه طالب خواهی را تسریع بخشیده و از شورای ملی نیز یک شورای صلح دیگر سازد شورای با اصطلاح مستقل و منتخبی که رئیس اداریش مشاور خاص رئیس جمهور و سخنگویش همه کاره شورای دولتی علماء است

بنابرین ریاست ولسی جرگه برای کرسی خیلی مهم است گرچه او سنار هم در انحصار در آورده و تا که بتواند بخاطر جبران شکست خویش در ولسی جرگه دیگران دیشان را وارد سنان خواهد کرد و بالاخره استاد سیاف چنان یک مجاهدیست که با معاون خویش انجنیر احمد شاه هزارها خانه در کابل و صدها هکتار زمین خریدند گرچه احمدزی همه رابه یغما برده و با استاد و حزب و رهبرش خیانت کرد

استاد که همه چیزش را باخته بود ناگزیر شد با خلیزاد و کرزی رفاقت نموده و در تیم حاکم جاخوش کند و دیگر مانند شیخینواری نه از می‌گساری رهبرش انتقاد کرد و نه از فسادش بلکه هرچند مانند حضرت ولی بطور دیگری همیشه برای کرزی استخاره میکند و وقتی اصحاب پیامبر از غزوه برگشتند ناجی بشریت (ص) فرمود که هنوز جهاد بزرگ شما باقیست " رهبران نظامی و سیاسی جهاد؛ حتی با برویکه با عصاره عمرشان بدست آورده بوندنی‌اندیشیدن از ثوری فقیه و مجتهد بزرگ پرسیدند که چرا درین جوانی چنین سرسفید شده ای؟ گفت بخاطر یک درپیش رویم سه فقیه دیگر از دنیای ایمان رفتند

رهبران جهاد حق دارند بهترین خانه و دربار و زندگی داشته باشند حق دارند صدر نشین مجالس باشند زیرا که آنها در تاریخترین دوران کمتر شبی خوابیده اند هزاران زخم زبان و خطر و تهدید را کشیده اند ولی حق ندارند بدلت تن دهند و بلاگردان رهبری شوند که تعفن فسادش همه مفسدین دنیا را مریض کرده است در زبان یک چیز میگوید و در عمل چیز دیگری میکند کسانی که مسند نشین ابوحنیفه خود را میگیرند و سنگ اندیشه حسن البناء و سید جمال را بر سینه میزنند بهتر از من و شما میدانند که جمال الدین نه تنها باناصر الدین شاه جنگید بلکه تالحه مرگش دست از انتقاد خلیفه عثمانی برداشت و بالاخره زمانی که سادات از تلمسانی خواست که در حکومت مشارکت کند با مسخره آمیزترین کلمات باو گفت: تو میخواهی از ما استفاده کنی؟" ولی چه کسانی پایه های قدرت دیکتاتور فاسد و رهبر مافیاد را در کابل برشانه های خود حمل میکنند؟: رهبران سیاسی و نظامی جهاد؛ علماء شون اسلامی؛ سران مفسد قومی؛ قاچاقبران مواد مخدر و بالاخره استخبارات پاکستان و ایران و سعودی

اگر از شرح رنج و مصائب حسن و سید و عمر (4) بگذریم ابوحنیفه نیز شلاق و زندان خلافت فاسداموی را بر مسند قضاوت ترجیح داد و در حالیکه میدانست کشته میشود ولی سازش و کرنش نکرد و باز در دوره خلافت عباسی نیز بدین جرم آنقدر زندانی و شکنجه شد که جان باخت؛ مالک ابن انس نیز نظامی را که بر شالوده عدالت استوار نبود رد کرد و شافعی بایاران خویش چنین کرد حتی سرخسی و دیگران در زندان کتاب نوشتند و امام حنبل آنقدر درین راه موقف برجسته گرفت که حتی اگر کسی با حکومت تماس میداشت با وی قطع رابطه میکرد و فرزندش صالح فقط یک سال بزور قاضی ساخته شده بود و وقتی حنبل وارد خانه شد بوی نان گرم را استشمام کرد ولی باشامه تقوی درین نان که تازه پخته شده بود گندی را احساس کرد پرسید گفتند خمیرمایه نان را از خانه فرزندش آورده اند گفت نام رانخورید و به گداید ولی بگوئید که خمیرمایه از خانه صالح بود 40 روزنان ماند و بو گرفت بخاطریکه به هر گدای چنین میگفتند از پذیرش نان امتناع میورزید تا که همه را بدیاریختند امام وقتی خبر شد که چنین کردند تا زنده بود ماهی دجله را دیگر نخورد

شما وقتی بر خورد و مواضع رهبران واقعی اسلام را علیه حکومت های فاسد و عدالت ستیز با مواضع مشایخ استخاره گرو رهبران امروزی اسلام در افغانستان و خیلی کشورهای دیگر چون پاکستان و ایران و غیره مقایسه کنید میدانید که تنها چیزی در وجود این رهبران و علماء دربار نمیتوان سراغ کرد تقواست و بس زیرا خداوند گاردین را میزند که شما مقامی درین خلافت های اسلامی بگیری و ولی امتناع میورزیدند حالانکه تجار دین خود تابوت فاشیزم و مفسدین فی الارض و میگساران جاسوس را برشانه حمل میکنند و غدرشان را توجیه شما گپ های سیاف را در پشاور با مواضع امروزش مقایسه کنید حالادین را بهتر فهمیده یا دیروز؟ پس گلبندین را چرا ملامت کنیم؟ شیخ عبده مجتهد بزرگ و شاگرد سید و وقتی از فرانسه برگشت گفت در غرب مسلمان هست ولی اسلام نه در حالیکه در شرق اسلام است ولی مسلمان نه حالا شما خود قضاوت کنید که افکار چه تعداد مسلمین با رفتارشان هماهنگ است؟ و چگونه هم از دین ماندم و هم از دنیا؟

ربانی و سیاف باید چنان باوقار زندگی میکردند که حتی وقتی کرزیهابیدارشان میآمدند از جای بر نمی خاستند باز میدیدند که چگونه سخن آنها بگوش هاطنین میآنداخت؟ من کرزی را خوب میشناسم و او مرا ولی شاید هیچ کسی باور نکند که در سال 2002 افغانستان رفتم بدیدارش

"تشریف" نبردم زیرا که او یک رهبر خودجوش و خودساخته و طبیعی و ملی و مشروع نبود و من در حیاتم تنها از چیزی که بدمی برم چاپلوسی و ریاء کاریست آنگاه که زرنگارد در کانادا (کلاه قره قل و چین ابریشمین ناجی افغانستان) را در برابر بگفته خودش (سیاه پوشان تاریک اندیش) مدح کرد زنگ زده و گفتم خانم کمی عجله کردید زیرا تهداب بن راجح گذاشته اند و او را بحیث شائسته ترین سیاستمدار نه بلکه بنابر پیشنهاد پاکستان برگزیدند حالا سرطان رهبری هر روز بیشتر بیکی جامعه را فرا گرفته و فلج میسازد ولی کجاست مدعیان جهاد و مقاومت و مبارزه و نهضت عزم راجزم کردند که اوضاع تغییر نکرد و مردم بآینده امیدوار نگردیدند؟ بنابر حدیثی مسئول اوضاع جز علماء و حکام نیستند حکیمی میگوید: کسانی که حقیقت را نمیدانند جاهل هستند و کسانی که حقیقت را میدانند ولی کتمان میکنند جنایتکار آگاهانی بزرگان دینی مادرباره اوضاع جاری کشور و عواقب وخیم حاکمیت مافیاجیزی گفته اند؟ کشوری که به یک چنین لجنزاری تبدیل شود غیر از جرثومه دیگر چه چیزی میتواند در آن رشد کند؟ و اگر چنین است آیا سزاوار است که بخاطر یک فرد یا یک باند حاکم بر مقدرات مردم و وطن را قربانی کرد؟ چه کسی نداند که مخالفین نه بلکه نبود یک حکومت قانونگروا پاسخگوست که فاجعه آفریده است؟ سی میلیون زن و مرد ازین وضع رنج برده و تشویش دارند ولی هنوز هم کسانی که خود را پرچمدار علم و دین میگیرند عوام را تخدیر نموده و دروغ میگویند:

ترحم بر گرگ تیز دندان ستمگاری بود بر گوسپندان

بهباد گرچه یک مبارز حقوق مدنی است و از احترام زیادی مردمی خصوصاً جوانان که بیشتر از همه به همچو رهبران شجاع نیاز دارند برخوردار است او درباره کسیت منسوب با اسماعیل نشان داد که هنوز هم خام و خوشبوار است من جز چند بار صدای اسماعیل را نشنیدم ولی زمانی که صد او طرز گفتار را در یکی از رسانه های فاشیزم (راديو آزادی) شنیدم عوام فریبی افغان نازی را تحسین کردم رئیس پارلمان نباید هر شائعه را جدی گرفته وقت نمایندگان را هدر دهد چرا که شائعه پراگنی یک نوع جنگ روانیست او هم مانند حفیظ و ظاهر کدام چانسی برای برنده شدن ندارد که نیازی به تبصره در موردشان باشد باید با درک شرایط حساس از قانونی یامهدی حمایت نموده و چانس را از کسی که پیرویش به خیر و نفع مردم و آنها بود ضائع نکنند همه بخاطر دارند که در لویه جرگه قانون اساسی از یک خانواده چند تن خود را نامزد ریاست کردند که بالاخره چانس برای حضرت مساعد شد این نهاد موضوع اپوزسیون در پارلمان خیلی بهتر میتواند بدرخشد تا در ریاست

بشردوست که توانسته با داد و فریاد عوام پسندانه و توزیع پول هایکه حلقات بخصوص از غرب برایش بنام کمک به محتاجین میفرستند آرای زیادی را بدست آورد ولی شوربختانه یک مریض روانیست و عموماً از طرف اشخاص ماجراجو؛ عقده ای؛ طالبان و کمونیستها تشویق میشود و در حقیقت سخنگوی طالبان از قوم هزاره است و اگر بفرض محال بریاست برسد چند ماهی بیش تر نمیتواند بماند شاید هم چند روزی وجودش بخاطر توسعه دمکراسی و آزادی بیان در مجلس خوب است و شخص پاک و پارسای است ولی ریاست او میتواند مجلس را به خانه ملانصرالدین تبدیل کند گرچه خیلی شجاع است ولی خودخواه و هذیان گو میباشده همین اساس بوده که نه کرسی نه کدام کشور خارجی از او هیچ وقت احساس خطر نکرده است

کسانی که بخاطر خدمت به ولسی جرگه آمده و بدرستی واقعیتگر باشند و از لفاظی و ضیاع وقت و ماجراجویی بگریزند هرگز طرفدار ریاست بشردوست نیستند اهل تشیع خصوصاً نماینده های هزاره شاید بهتر از من بدانند که او روابط فکری چه که حتی علائق عاطفی هم باملیت خود نداشته چنانچه در برابر تهاجم کوچی ها کاملاً سکوت اختیار کرد و علیه دانش تبلیغات خصمانه و خودش اعتراف کرد که من به هیچ نامزدوزیری رأی ندادم پس نباید آرای خود را ضائع نموده و باین دل خوش کنید که بشردوست هزاره هست

شما باید واقعیت نگر باشید شوربختانه هنوز هم امکان ندارد که بریاست برسید ولی می‌توانید کسی را حمایت کنید که از حقوق و منافع و خواسته های شما دفاع کند اگر استادیاف را حمایت کنید مرتکب همان اشتباهی می‌شوید که در حمایت از کرسی شدید بهزاد هم شوربختانه چانس موفقیت ندارد پس میان قانونی و مهدی یکی را "انتخاب" کنید زیرا باید گفت که چون در افغانستان احزاب سیاسی نیست کارها همه بر محور قومی و مذهبی می‌شود هیچ یک از "متحدین طبیعی" بدون وحدت و همکاری نمی‌توانند در برابر قوم حاکم و مسلط بر همه چیز به حقوق خود برسند

از جانی در هر کشوری که وزیر از حمایت حزب یا قومی برخوردار نباشد مانند وزرای تاجک و ازبیک و هزاره و حتی معاونین کرسی نمی‌تواند جز سببول و سخنگوی بانام و نشان ولی فاقد صلاحیتی باشد که غیر از فرمان بردن هیچ کرده نمی‌تواند چرما مثلاً فاروق وردک می‌تواند بیشتر از کرسی در امور کشور مداخله نماید ولی دانش نمی‌تواند حتی از حقوق یک استادی که بناحق در حریم دانشگاه لگد مال شده دفاع کند؟ چرا خرم می‌تواند یک وزارت را کاملاً پاکستانیزه سازد ولی رهین حتی نمی‌تواند هذیان گوی مریضی چون حلیم را تبدیل نماید؟ و حتی ملازم پشتون تبار وزارت را مگر او چشم و گوش ندارد که زبان مادریش وسیله تحمیل و تدریس و ترویج و تلقین زبان دیگری و سندویچ پشتو شده و مسخ و مسخره؟ چرا هر دو زبان بشکل مستقل نشرات نداشته باشند؟ مگر هر دو حیثیت مساوی و شخصیت مستقل حقیقی و حقوقی ندارند؟ وقتی کسی را بگویند ترا بشرطی وزیر می‌سازیم که هیچ چیزی را در وزارت تغییر ندهی و هیچ کسی را تعویض نکنی مگر می‌تواند جز سخنگوی قبیله باشد؟ وزیر واقعی در حقیقت هیو ادمل و خرم اندولی با تعیین چنین مهره های ضعیف؛ قوم ستیز و ترسو با درس قومی ملیتهای اسیرشان را هنوز هم تخدیر و استثمار می‌کنند

چرا یک والی پشتون می‌تواند به هر کشوری سفر نموده و هر روز در سفارتها و دفاتر خارجی باشد ولی خیزدوریک والی غیر پشتون فقط تار یا است ارگان های محلی می‌تواند باشد؟ من گرچه در نوشته های خود همه اجیران و مردمگیران قبیله را نقد می‌کنم که جز عروسک و استخوان خوری بیش نیستند ولی شاید هر کدام مانند من و شما از تبعیض اداری؛ انکشاف غیر متوازن، تروریزم دولتی و رابطه سالای رنج بر نداماد رنج بود حمایت قومی یا وجود یک حزب نیرو مند چه کرده می‌توانند؟

کرزی رگ خواب مار یافته و هر قدر آدمک های مطیع و قوم ستیزی بخواهد از ملیتهای دیگر یافته می‌تواند از مارشال گرفته تا آیه الله؛ می‌گویند باری داود خان از شاه انتقاد کرد که همه قدرت را به تاجکها داده است شاه گفت: من قدرت را بکسی ندادم بلکه در گردن داکتر --- حلقه انداختم" پس کسانی که منافع؛ حقوق و خواسته های مشترک و سرنوشت واحدی دارند باید متحد شوند و متحدانه بدفاع از خود پردازند و گرنه باز هم قصه همان گرگ خواهد بود و همان سه گاوی که اکتل یوم اکل الثور الابیض

بشردوست قطع نظر از اینکه چه عقیده و مرامی دارد هیچ وقت نمی‌تواند پاسدار منافع و حقوق تشیع خصوصاً هزاره شود چرا که او در مسیری همیشه حرکت کرده که ملالی جو یا کرد راهی که بترکستان می‌رود باید از او پرسید که تو در حالیکه حین کمپاین ریاست جمهوری حاضر نشدی با هیچ خارجی دیدار کنی چطور ریاست نهادی را می‌گیری که بخش بزرگ کارش سفرو دیدار با مقامات ارشد خارجی است؟ و در حالیکه تو با کرسی چنان برخورد خصمانه کرده و سرستیزداری چطور هم‌راهی حل مطلب خواهی کرد؟ زیرارئیس ولسی جرگه باید باریس حکومت روابط نیک و درعین حال احترام داشته باشد و دیگر حق ندارد جز در چوکات وظیفوی و با حفظ پرستیج دولتی از او انتقاد کند چرا که رئیس جمهور رئیس دولت هم است و اگر رئیس هر سه قوادعین استقلالیت با هم اعتماد و همکاری نداشته باشند عواقب خیلی خطرناک دارد

رئیس پارلمان درعین حال مانند رئیس حکومت نباید با کشورهای همسایه و متحدین افغانستان مسئله و مشکل داشته باشد و همچنان با شخصیت های مطرح و جریان های اثرگذار افغانستان بنابرین داکتر بشردوست را اگرچه دوستان طالب اودر غرب تشویق کردند تا در برابر قانونی خود را نامزاد کند ولی خود هم میدانده و واجد شرایط رهبری ولسی جرگه نیست و هزاره ها نباید مرتکب اشتباه شوند چرا که اگر بشردوست رئیس شود همان تجربه پارلمان دوره یالتسین نیز در افغانستان تکرار خواهد شد و حامیان اوسرا فکند بخاطر مصروفیت در تحریر "ای ایس ای نتایج انتخابات افغانستان را نپذیرفت" نتوانستم بوقت معین مضمونی را که درباره آغاز بشردوست نوشته ام ویرایش نموده و نشر کنم ولی درین نوشته 60 صفحه ای ثابت خواهم کرد که او برای مردم بیدار و عدالت جوی هزاره وارد پارلمان نگردیده است و مردم هزاره این دشمن دوست نما و طالب هزاره را با آن بشردوستی عوض نمی گیرند که چند سال قبل در موردش تصور میکردند آیا بشردوست گاهی در محفل سالگره بابه مزاری (سمبول بیداری و مقاومت هزاره در برابر تبعیض و تحقیر تاریخی که او را به حق میتوان ماندیلای هزارستان نامید) سخن گفته است یا که او را نیز جنایتکار جنگی و جنگ سالار میدانند؟ مگر بدفاع از نماینده های منتخب غزنی برخاست؟ در حالیکه رئیس جمهور بر خلاف قانون اساسی از قوم بخصوص حمایت و در برابر نمایندگان منتخب غزنی بانگیزه نامشروع سنگ گرفت بشردوست چه کاری تاکنون برای هزاره ها کرده است و در کدامین موقعیت بدفاع از آنها پرداخته در حالیکه نماینده پشتونهای کندز قلب جعلکاران هلمندی را توجیه میکند و پشتون از تروریستهای خود هم بنام افراد ملکی دفاع میکند چه کسی میتواند سوال کند که اگر این همه افرادی که زده میشوند ملکی اند پس جنگ را که میکند؟ (5)

ما چه خواهیم یانه منافع ملی نزدیک پشتون چیزی جز منافع قبیله نیست و منافع قبیله برایش مهم تر از منافع دیگران است شکر یه بار کزی باملار اکتی مگر علیه قانونی متحد نشد؟ زمانی که منافع قبیله مطرح باشد زن و مرد پشتون چنین متحد میشوند اشرف غنی کزی را در جریان کمپاین انتخاباتی احمق گفت ولی کزی او را نماینده خود در امور انتقالات تعیین کرد اگر این گپ را با او کدام تاجک یا نورستانی میزد کزی شاید هم دیگر با وی صحبت نمی کردم یقین دارم هر چه زود ترا گرا حزاب نیرو مندملی بوجود نیاید افغانستان بار دیگر با اثر تحریکات پاکستان به سنگرهای قومی تبدیل میشود بنابرین کسی باید ریاست پارلمان را بدست گیرد که بدمکری ایمان داشته باشد و در راستای حاکمیت قانون؛ قانونمندی احزاب؛ توزیع و محدود ساختن قدرت؛ نظارت بر حکومت و مبارزه علیه فساد قدم های سریع؛ جدی و بلندی

بردارد و نگذارد که حلقهات بخصوص در حکومت و خارج از دولت روند مجلس عوام را سبوتاژ و اوقات نمایندگان بیهوده سپری شود پارلمان جای شعاردادن نیست بلکه بیمارستان دردهای اجتماعی کشور است در حالیکه رئیس ولسی جرگه با پشتاره دوسیه های خود هر روز چندین بار جلسه را ترک نماید چه کاری را نمایندگان از پیش برده میتوانند؟ او نه تنها چنانچه در کمپاین ریاست جمهوری و دوره اول ولسی جرگه دیدیم هیچ احترامی به مخالف و آراء و عقائد مخالف ندارد بلکه خیلی بازاری بر خورد و از توهمین و خشونت لفظی استفاده میکند چنین شخصی چطور میتواند رئیس شخصیت های باشد که هر کدام بادیای از افکار و اهداف مختلف وارد پارلمان شده و خیلی چیزها برای طرح و مباحثه دارند؟

نتیجه: استاد سیاف نامزاد حکومت است ولی اپوزسیون نتوانست درین مدت خودش را تنظیم نموده و یک تن را نامزاد سازد نامزادی منصور و بهزاد و ظاهر و بشردوست که هیچ کدام چانس پیروزی ندارند چانس پیروزی استاد را خیلی بالا برده و موفقیت بزرگ باغای کزی بشمار میرود گرچه از بشردوست که بدستور دیگران بروی قانونی تیغ کشیده نمیتوان توقع داشت ولی بهزاد و منصور چه بهتر که بادرک واقعیتها کنار بروند چون موقعیت شناسی خیلی مهم است

در مرحله اول نامزادی رهین بوزارت اطلاعات و فرهنگ پیام مجاهد علیه او اتهامات تندی را وارد کرد که باعث شد تا خرم وزیر شود بدین ترتیب پیام مجاهد مرتکب اشتباهی شد که خیلی غم انگیز بود حالاً هم کسانی که درباره پالیسی های حکومت نظر مشابه دارند و طرفدار تغییر وضع و اصلاحات هستند اگر میان هم توافق نکرده و یکی را بریاست ولسی جرگه نامزد نکنند سلی خیلی محکوم و غیر مترقبه خواهند خورد

گرچه چانس پیروزی در یک چنین پارلمان مردسالارنداشتند ولی متأسفیم که هنوز هم هیچ بانوی خود را نامزد نکرده است من گرچه میدانم که در جامعه سنتی و سر بسته و جنگزده و مذهبی ما چنین حرفی خیال پرداز نیست ولی چه زیباست که یک بانوی شیردل و فرهیخته و دانشمند باورنگ ریاست مجلس عوام راه یابد زیرا که زن - اگر از استثناء بگذریم - بحیث مادر جز عشق و ایثار و محبت رانمی شناسد و گامی جز بیخاطر صلح و رفاه و همدلی نخواهد برداشت تاریخ بشر شاهد خدمات برجسته زن است و در جامعه و کشوری که زن و مردش در عرصه های ملی و علمی و سیاسی رقابت کنند خیلی سریع پیشرفت میکند

در ایران بانوها گرچه هنوز هم از حق نامزادی بریاست دولت محروم اند ولی در دیگر میدانها بر مردان سبقت جسته اند زنان در کشورهای عربی نیز جز سعودی تقریباً سکان رهبری را بدست دارند و در پاکستان ما شاهد عروج زن بریاست پارلمان هستیم حتی ریاست حکومت جادارد از علماء؛ رهبران جهادی و همه مردان کشور بیخاطر حمایت ارجدارشان از حقوق و فعالیت سیاسی خانم هاسپاسگذار بود

مادر حالیکه همیشه اخبار غم انگیزی از اشتباهات و فساد و خیانت مردها شنیدیم درین ده سال چیزی جز تلاش و موفقیت از خانم هانشنیدیم چنین اخباری بدان معناست که خانم ها موفق حساس و آسیب پذیرشان را بهتر از هر کسی درک میکنند توقع می رود که در پارلمان خیلی قوی و دلانگیز بدرخشند زیرا شجاعت اخلاقی از مظاهر عظمت انسان است فقط افراد جبون و جاهل اند که دنباله رو دیگران بوده و از خود طرح و اندیشه ندارند همیشه باید افکار دیگران را به چالش کشید و طرح نو انداخت

در خاتمه از نمایندگان محترم خواهش مندیم بدور از احساسات و انگیزه های قومی؛ زبانی؛ سمتی؛ عقیدتی و سیاسی اولاً شخصیت و سوابق و اهلیت همه نامزادان را دقیقاً مطالعه کنند و بعد کسی را "انتخاب" که بتواند کشتی شکسته و کم توشه پارلمان را از طوفان با موفقیت و سر بلندی نجات بخشد امروز شرایط خیلی بحرانی و دشوار است و کرزی کاملاً در کارش ناکام مانده است هم جامعه جهانی و هم توده های سرخورده افغانستان فقط به پارلمان آینده من حیث عالیترین مظهر اراده و امید مردم چشم دوخته اند اگر این پارلمان نتواند وظیفه و مسئولیت خود را بدرستی پیش برد باید فاتحه افغانستان را خواند و دست هارابوسی پاکستان بالا کرد چرا که راهی دیگر سراغ ندارد --- با چنین شرایطی دیده شود که شورای ملی چه می کارد تا باز درو کنیم؟

رهبری و مدیریت پارلمان باندازه رهبری حکومت و شاید هم بیشتر مهم و سرنوشت ساز است خصوصاً در نظام های دموکراتیک قدرت واقعی در اختیار پارلمان است باید کسی را که فقط به کرسی نیاندیشد و معامله و خیانت نکند و کسی باشد که آجندای ناکام و عقیم حکومت را نیز در پارلمان پیاده نکند و بحیث ستون پنجم حکومت یا طالبان و خادم پاکستان در خانه ملت فرصت هاراضاع نسازد شوربختانه در پارلمان گذشته اعضای هر دو اتاق پارلمان از درک مسئولیتها و صلاحیت خویش همچو معاونین رئیس جمهور عاجز بودند بنابراین چندان توقعات مردم را برآورده نتوانستند زیرا او کیلی که اجازه میدهد برایش از خارج شوری دست های مرموز و غداری خطوط حرکت ترسیم کنند هنوز به بلوغ سیاسی نرسیده است

مردم شمارا برگزیدند تا کاری کنید که از رنج و جنگ و بحران و بدبختی و فقر و مشکلات و نفاق و مرض نجات یابند باید دشمنان آنها قانون ساز باشد بلکه ظرفیت و شجاعت کنترل حکومت و کیفر مجرمین را داشته باشد بنابراین شمانه فقط باشخاص (نامزادان ریاست) بلکه

بأجندای هریک خوب دقت کنید که چه طرح نوی دارد و چگونه مجلس رامیخواهد رهبری کند؟ و باز متوجه باشید که چقدر میتواند بوعده های خود وفا کند و چقدر صادق است؟ یا هو

1- باید بلخی؛ اکبری؛ جبرئیلی و... اگر چنانچه از ایران پول دریافت نکرده باشند علی‌ه یاسینی اقامه دعوانموده و اعاده حیثیت کنند زیرا هر مقام دولتی یا غیردولتی که از یک کشور خارجی پول دریافت کنند چنانچه داودزی به سفارت امریکا گفته خائن ملی است و نمیتواند بوطن صادق باشد جالب است که یاسینی و داودزی هر دو رهبران و نمایندگان غیرپشتون خصوصاً هزاره را چنین اتهام بسته اند ولی اخذ پول از ایران و پاکستان بر خودشان ثابت شد حالاً باید ادعای خویش را نیز بر دیگران ثابت نمایند -

2- اگر به خرها و گاوها توهین کرده باشم معذرت میخواهم لاهوری میگوید: من سگی رانیدم که پیش سگ دیگری خم شده باشد هیچ نمیتوان فهمید که میان تن فروش سیاسی و تن فروش جنسی چه فرق است هر دو خود را میفروشند و بر دیگران اجازه میدهند که بر آنها تمکین کنند هر دو حقارت منشی و خودفروشی راعیب و گناهی نپنداشته و از حیات ننگین خویش لذت می برند و بالاخره هر دو منفور تاریخ و جامعه هستند و خداوند هر دو را دلیل ترین مخلوقات عالم توصیف کرده است

3- ارتش و پولیس قومی بعد از خروج ناتوزیر تأثیر تبلیغات استخبارات دشمن؛ طالبان و حزب اسلامی چنان زود فرو خواهد پاشید که تصورش را هم نکرده باشیم یا شاهد کودتای دیگری خواهیم بود تا تمامیت خواهان از غم انتخابات و قانون اساسی و پارلمان خلاص شوند که خود نمیتواند عواقب خطرناک داشته باشد پروفسور تره کی حقوقدان و استاد سابق دانشگاه کابل میگوید: دمکراسی در زیر ضربات واقعیت های افغانستان در حالت کوماست " منظورش از واقعیت افغانستان واضح است و باید هم پذیرفت که واقعیت چنین است -

4- عمر تلمسانی مرشد فقید اخوان المسلمین که تقریباً همه عمرش را در زندان طاغوت سپری کرده و در صراحت و فراست سیاسی کم نظیر بود رژیم خیلی کوشید با سپردن امتیازات و پست های بلندی با و در میان اخوان تفرقه انداخته و مانند شعراوی مرشدشان را بدنام سازد ولی اوزندان و شکنجه را بر حمایت از دیکتاتور ترجیح داد انجنیر گلبدین حکمتیار از مکتب مولانا مودودی فارغ شده و شاگرد قاضی حسین است ولی استاد ربانی و استاد سیاف از مکتب حسن البناء مردیکه از سید جمال الدین الهام گرفت ولی همچو پیامبری در جهان درخشید فارغ شده اند فرق اساسی میان هر دو مکتب فکری چنانچه هیکل نویسنده و متفکر بزرگ عرب ترشیح میکند این است که اخوان یک مکتب مبتنی بر دعوت و اصلاح امور (کار سیاسی) است طوری که رهبرش از کلپ های رقص و میگساری تا مزارع میرفت و حقیقت دین را که باهاله ای از خرافات و رسوم قبیلوی پوشانده شده بود ترشیح میکرد ولی جماعت اسلامی بر شالوده تکفیر و جهاد استوار است که سید قطب در زندان از آثار مودودی تأثیر پذیرفته و جاهلیت قرن بیست رانوشته جوانان سرکوب شده و خونگرم با تأثیر پذیری از این کتاب از اخوان بریده و سازمان تکفیر و الهجره را تشکیل دادند و ایمان الطواهری یکی از شاگردان شیخ عبدالرحمان رهبر تکفیریهامیباشد که در پاکستان ابن لادن را تربیه کرد و با هم القاعده را ساختند بنابراین ریشه فکری القاعده از مصر نه بلکه از پاکستان منشاء گرفته و شرایط خیلی بدوی قبائل و عنعنات قبیلوی باعث شده که از یک چنین مکتبی فابریکه تروریستی سازنده سخن دیگر اثر کوچک مودودی بنام مصطلحات بعد از تقریباً یک قرن گیتی را در وحشت فرو برد و طوری که تراوش فکرنوبل برخلاف میل و هدف او گماریده شد تیر علامه مودودی نیز قلب مسلمین را سوراخ کرد حال آنکه او یقیناً هدف دیگری داشت

5- درین شك و سوالی نیست که قتل اطفال ؛ زنان ؛ موسفیدان ؛ مریضان و افرادملکی جنایت‌حنگی است ولی زمانیکه تروریست از عوام بحیث سنگرگوشتی یا بخاطر تحریک مردم علیه نیروهای ائتلاف بین المللی استفاده میکند چه باید کرد و گناه از کیست؟ و چرا فقط ناتو محکوم میشود؟ استخبارات دشمن حتی مساجد را با تاش میکشد تا عوام را علیه جامعه جهانی بسیج کند چرا وقتی یک فرد توسط ناتو کشته میشود چنان هیاهو برآید می‌آفتد ولی زمانیکه مسجدی انفجار میکند همه خاموشیم؟ وقتی که رئیس دولت قاتلان مردم را برادران ناراضی خطاب میکند پس دشمن کیست؟ و چرا نباید نیروهای امنیتی از جنگ فرار کنند؟ علت واضح است رهبران کشور با انگیزه قومی و عواطف نژادی مخالف سرکوب تروریسم اند پارلمان باید عوامل تداوم جنگ را با همه ابعادش خیلی صریح بررسی کند با وارد کردن اتهام بیش از حد بر پاکستان و ایران از مسئولیت فرار میکنیم هر قدر خود را تبرئه و دیگران را متهم کنیم تراژیدی بیشتر دوام خواهد کرد مشکلات ملی را نمیتوان با فومولهای قومی حل کرد یعنی هر که از قوم و نژاد ماست باید برایش امتیاز داد و معذورش پنداشت ولی هر که نیست باید سرکوب شود زیرا که جز تروریستان پشتون دیگر همه القاعده اند "راه سرکوب مخالفین تجریدشان از مردم است و چنین کاری با دو صورت میشود اول نقد افکار و رفتارشان و ثانیاً تشکیل یک حکومت مردمی و طرفدار دم‌کرسی ؛ کرزی در هر دو مورد ناکام بوده و هیچ توجه نکرده است بنابراین او خود در حقیقت قاتل افرادیست که نباید کشته شوند و مجرمینی را رشد میدهد که باید کشته شوند چرا طالبان و گلبدین از کرزی در انتخابات عملاً حمایت کردند؟